

در اصل ۱۶۵ قانون اساسی و دیگری در بند ۴ ماده ۲۱۱ برنامه پنجم توسعه بردوش قوه قضاییه نهاده شده است. برگزاری دادگاه‌ها به صورت علنی و شفافیت آرای قضات، دو عاملی است که از طریق تعدیل و افزایش سطح پاسخگویی قضات و در نتیجه اتقان آرای صادره، می‌تواند منجر به بهبود و افزایش کارایی محاکم شود. انتشار عمومی آرای قضات علاوه بر دقت مضاعف قضات در صدور رأی، موجب ایجاد وحدت رویه در فرآیند رسیدگی به موارد مختلف می‌شود. با این وجود هر دو تمهید فوق‌الذکر به دلایل مختلف در حال حاضر در قوه قضاییه در سطحی ضعیف و ناقص در حال انجام است که اثربخشی آن را از بین برده است.

علاوه بر موارد فوق‌الذکر سطوحی دیگر از شفافیت مانند شفافیت فرآیندهای مهم (دادگاه‌های رسیدگی به تخلفات قضات و کارکنان دستگاه قضایی) یا شفافیت هدایا، اموال و دارایی برخی قضات و مسئولین برجسته دستگاه قضا نیز در دستگاه قضایی قابل پیگیری است.

#### ۴. جمع‌بندی

علی‌رغم همه دستاوردها و پیشرفت‌ها در قوه قضاییه به ویژه در چند سال اخیر، به نظر می‌رسد کماکان فاصله معناداری میان وضع موجود و مطلوب وجود دارد که کاهش آن مستلزم استخدام رویکردها و تدابیر جدید و تازه است. به طور مشخص تقویت ساحت مدیریتی و تحلیلی قوه که در طی سالیان گذشته به اندازه ساحت فقهی و حقوقی مدنظر نبوده و برای ارتقای آن تلاش نشده است، می‌تواند رویکردی نوین برای کاهش این فاصله باشد. پیشنهادات ذیل مواردی است که می‌تواند این مهم را فراهم آورد:

۱- تفکیک ساحت مسایل فقهی، حقوقی و قضایی از ساحت مسایل مدیریتی، فرآیندی و ساختاری در نظام مسایل قوه قضاییه و تمهید مدیران متخصص توانمند برای هر ساحت به خصوص ساحت مدیریتی.

۲- استفاده از رویکردهای نوین فقهی در تحلیل و اصلاح رویه‌های قضایی و حقوقی. عدم توجه به فقه پویا و متناسب با شرایط روز جامعه منجر به توسعه روزافزون دعاوی و کاهش هزینه جرم در اثر رویه‌های سنتی قضایی و حقوقی شده است. به عنوان مثال در حال

حاضر طبق اذعان بسیاری از مسئولین قضایی قریب به ۵۰ درصد بار ورودی دادگاه‌ها به دلیل اعتبار معاملات عادی مبتنی بر برداشت‌های فقهی غریب‌پویا است. به این مثال مواردی مانند توسعه روزافزون پرونده مستمسک بر شهادت دروغ، مهجور بودن برخی از ابزارهای نوین در ادله اثبات حکم مانند عکس، فیلم، داده، پیام و... و برعکس جایگاه غیرمنطقی علم قاضی در ادله اثبات در قیاس با ابزارهای فوق (به عنوان آماره‌های قضایی) که منجر به باز شدن باب فساد و سلیقه در دستگاه قضایی شده است، می‌توان افزود.

۳- محوریت کاهش ورودی پرونده‌ها و رویکرد پیشگیری از وقوع جرم و دعوا در ارزیابی عملکرد قوه. در حال حاضر رویکرد ارزیابی عملکرد قوه فرآیند محور و مبتنی بر سنجش تعداد رسیدگی‌ها و در بهترین حالت توجه به سرعت و دقت رسیدگی به پرونده‌ها است. در حالی‌که باید رویکرد تمرکز بر کاهش میزان شکل‌گیری پرونده در دستگاه قضایی از طریق شناسایی و رفع نقاط شکل‌گیری اختلاف، دعوا و جرم در اولویت اول و توسعه مسیرهای غیرقضایی رسیدگی به دعاوی و اختلافات مانند توسعه داوری‌های نهادی و ارتقای اتقان آرا و اجرای احکام داوری مورد توجه قرار گیرد.

۴- کاهش رویه‌های فسادزا از طریق کاهش نقش عامل انسانی و توسعه سامانه‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات. در حال حاضر سطح

### چابک سازی ساختار، تقویت شأن قضایی و نظارتی قوه قضاییه و افزایش تمرکز بر مأموریت‌های اصلی مندرج در قانون اساسی از طریق تفکیک نهادهای اجرایی ذیل قوه قضاییه از قبیل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و روزنامه رسمی. ۶۶

پایین هوشمندی فرآیندهای قضایی موجب شده است که عامل انسانی نقشی پررنگی در جهت‌دهی به مسیر فرآیندها داشته باشد و موارد متعددی است که قانون تشخیص و اجرای آن را به انسان‌ها واگذار کرده است. نظام ارجاع در حوزه‌های مختلف مانند نظام ارجاع به شعب یا ارجاع به کارشناس، یکی از مصادیق این مشکلات است که می‌تواند با ابزارهای فناوری اطلاعات می‌توان مانع تخلفات و تخلف‌های این فسادها شد.

۵- توجه به ظرفیت‌های مدیران تحویلی خارج از قوه قضاییه با تأکید بر سابقه عملکرد موفق و متمرکز در نوسازی مدیریتی قوه به خصوص برای ارتقای توان ساحت مدیریتی و فرآیندی در قوه قضاییه.

۶- چابک سازی ساختار، تقویت شأن قضایی و نظارتی قوه قضاییه و افزایش تمرکز بر مأموریت‌های اصلی مندرج در قانون اساسی از طریق تفکیک نهادهای اجرایی ذیل قوه قضاییه از قبیل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و روزنامه رسمی.

۷- توجه به نقش حداکثری قوه قضاییه در اقتصاد و مسائل پیشرفت کشور. رویکرد انفعالی و پسینی قوه قضاییه در نظام اقتصادی و اجتماعی منجر به غفلت از نقش ایجابی و حداکثری قوه قضاییه در مسایل متنوع و مهم پیشرفت مانند ضمانت اجرای قراردادهای اقتصادی، نظام ثبت و حقوق مالکیت و مسایلی از این دست شده و باعث فروکاست جایگاه این نهاد مهم به عنوان حلقه بازخورد در نظام حکمرانی کشور شده است.

۸- ارتقای کارآمدی نظام قضایی و حقوقی با تکیه بر مشارکت مردم و نخبگان. غفلت از رویکردهای نظارت‌های مردمی و ایجاد زیرساخت‌های انگیزشی، حمایتی و ارتباطی برای توسعه این نظارت‌ها و همچنین غیرشفاف بودن امور مهم قوه قضاییه مانند آمار و اطلاعات، آرا، فرآیندها و سوابق اقتصادی و اعتباری فعالین اقتصادی باعث شده است که در عمل قوه قضاییه بهره‌اندکی از ظرفیت‌های نظارتی و سایر مشارکت‌های مردمی در پیشبرد امور خود داشته باشد.